

## نقد و تبصره

ماهنامه معتبر و نخبه فیض الاسلام چاپ پاکستان و ناشرانجمن «فیض الاسلام راولپندی» در شماره ۸۹۷ (دوره ۲۶) خود شرحی در نقد و معرفی مجله و مجید درج کرده است و همکار ما آقای دکتر شهریار نقوی استاد دانشگاه اصفهان عین آن نوشته را ترجمه کرده که با اظهار تشکر ذیلا از نظر خوانندگان ارجمندی گذرد:

\*\*\*

ماهنامه فارسی وحید - مدیر سیف الله وحید نیا - تعداد صفحات قریب ۱۰۰ - به قطع فیض الاسلام - کاغذ اعلا - چاپ مرغوب - بهای يك شماره ۳۵ ریال اشتراك سالیانه در ایران ۴۰۰ ریال خارجه ۶۰۰ ریال .

فلاسه شماره از مجله وحید ۸-۱۰۹ متعلق به سال ۱۳۵۲ برای بررسی در اختیار ماست . این مجله بسیار وزین و موقر است . مطالبی در نظم و نثر دارد پیرامون ادیان ، تاریخ ، ادبیات و غیره بطور مسلسل و یا غیرمسلسل نگارش یافته خیلی متین و حاصل تتبع و تحقیق است . مقالات مسلسل به عناوین : « بناهای تاریخی آذربایجان » ، « فهرست مخطوطات فارسی کتابخانه دکتر ذاکر حسین » ، « تتبع در گلستان سعدی » ، « شریعت سنگلجی » ، « تفسیر قرآن و تاریخچه آن » ، « وضع دانشگاهها در پایان قرون وسطی » ، « ادبیات معاصر فارسی و عوامل تغییر دهنده آن » ، « دیدار از کتابخانه های پاکستان » ، « مثنوی های لیلی و همچون » ، « کیفیت نزول قرآن » ، « همچنین مقالات نامسلسل بعنوان : « تاریخ سلجوقیان و شعرای آن زمان » ، « شعر نواز آغاز تا امروز » ، « آبادان جزیره رؤیائی » ، « حاضر جوابی های ادبی و طنز در شعر فارسی » ، « سلاسل تصوف » ، « زادگاه زرتشت » ، « کاوشهای علمی فساو آثار باستانی آن » ، « سرگذشت دکتر طه حسین » و غیره با نهایت دقت و امان نظر نگاشته شده است .

۳۶ کتاب در پیروی از گلستان سعدی نگارش یافته است و در بین نویسندگان آنها شخصیت های برجسته نیز وجود دارند . نگارنده این نوشته در این زمینه فقط به سه کتاب آشنائی داشته : بهارستان جامی - خارستان مجدالدین خوافی و پریشان حکیم قآنی . صاحب مقاله مربوط آقای احمد منزوی در این باب اطلاعات وسیعی فراهم نموده و بمعرفی هر کدام از نویسندگان نیز

پرداخته است. تحقیقات ایشان بسیار قابل تمجید است. در ضمن تفسیر قرآن برخی از نمونه‌های تفاسیر داده شده است بطور مثال آیه مبارکه « اذ استسقی موسی لقومه فقلنا اضرب بعصاك الحجر فانفجرت منه اثني عشر عينا » ( هنگامی که موسی برای قومش آب خواست ما (خدا) گفتیم عصایش را به سنگ بزند و سپس دوازده چشمه از آن بجریان افتاد ) چنین تفسیر شده است :

« دریای معرفت است که چشمه‌های معرفت از آن جاری شده و آن انفاس قدسیه حضرت موسی است که از دل‌های سخت تر از سنگ مردم معرفت بیرون آورد » در سوره بقره به ذبیحه گاو امر داده شده است. تفسیر آن چنین است :

« منظور از ذبح بقره کشتن نفس اماره است ، »

در مقاله بعنوان ادبیات معاصر فارسی ، اسدالله خان غالب مورد ستایش قرار گرفته و درباره‌ او این عبارات بچشم می‌خورد : « ... در تحول شعر فارسی و نشر فارسی در هند هیچ کس بیایه‌ وی نرسید. غالب پیشرو و مبتکر انقلاب ادبی بود قصیده گوئی کرد و رباعی سرائی نمود. در نشر نویسی گام‌های تازه برداشت اما متأسفانه وی از آخرین ستارگان درخشان ادبیات فارسی در هند بود و پس از وی کسی راهی را که وی کشف کرده بود تا عصر ظهور اقبال دنبال نکرد. » در همان مقاله دکتر مهدی غروی درباره‌ تعصب دینی چنین اظهار عقیده می‌نماید . « ... سیاست مذهبی ایران در دوران صفویان اتخاذ شده بود و آنچنان رنگ ملی بخود گرفته بود که تغییر دادن آن امکان پذیر نبود و پس از نادر هر که در این ملک زمامدار شد این سیاست را حفظ کرد اما شگفت زمان از شدت تعصبات مذهبی کاست تا عصر کنونی که این کاهش مطلوب به نقطه اوج رسیده است. عصری که ایران بر رهبری شاهنشاه آریامهر از کشمکش‌هایی که بر پایه‌ مذهب استوارند بکلی برکنار است »

مقاله « حاضر جوابی‌های ادبی و طنز در شعر پارسی » بسیار جالب است. بطور مثال از مناظره فرهاد با خسرو نظامی گنجوی نوشته و در آن سؤال و پاسخ فرهاد را چنین بیان کرده است :

بگفتا عشق شیرین بر تو چونست

بگفت از جان شیرینم فزون است

بگفتا دل ز مهرش کسی کنی پاک

بگفت آنکه که باشم خفته در خاک

بگفتا گر کند چشم تو را ریش

بگفت آن چشم دیگر آرمش پیش

دوازده سؤال و جواب از همین قبیل از نظامی منظوم ساخته و همه آنها دال بر قدرت کلام و فکر شاداب وی می باشد .

مثنوی‌های متعددی پیرامون لیلی و مجنون سروده شده است و در بین آنها مثنوی‌های نظامی گنجوی ، خسرو و دهلوی و مولانا جامی شهرت خاصی را داراست . آقای نیکوهمت ضمن مقایسه در بین نظامی و خسرو می نویسد :

« ... مضامین سخن لطیف و در این داستان هرگز باوج بیان و اندیشه - های آسمانی نظامی نمی رسد ... »

در تنقید از شعر نو آخرین بیت از منظومه ای چنین است :

گر بود این شعر نو وای بحال هنر

سوختن این شعر را به بود از ساختن

بعضی از اشعار از منظومه ای مطول ( سروده شادروان پرتو بیضائی ) را در اینجا نقل می کنیم :

هان ای سخنوران که بخواید یکسره

کار سخن کشید به تقلید و مسخره

چونین که خفته اید شما بس نمانده است

کاخ ادب کنند مبدل به مقبره

کاین کاخ اگر نه رو بخرابی است از چه روی

جفدش نشسته نوحه گر اندر به کنگره

دم در کشیده بلبل وزاغ است در نعیق

خاموش گشته طوطی و گویاست ز نجره

شریعت سنگلجی از علمای فاضل ایران بودند . مکالمه ایشان با رابندرانات تا گور خیلی جالب است . ایشان سؤالی از تاگور در مورد سعادت پرسیدند و آن عبارتست از اینکه « می خواهم بپرسم که به عقیده شما چه چیز بیشتر سعادت مادی و معنوی می دهد و سعادت عمومی بشر چیست ؟ »

در پاسخ این سؤال تاگور مطالب درازی بیان داشته که بطوری چند از آن راد زیر نقل می کنیم :

« ... در بین ملل اشخاصی هستند که مقام هالتری نسبت به دیگران دارند ، برای هدایت بشر آمده اند خدمت خود را بوسیله هدایت انجام می دهند جنبه رسالت و تبلیغات و روحانیت دارند . ندائی به آنها می رسد ، به حکم آن نداء بشر را به مبداء واحدی که برای همه یکی است می خوانند ... من خود را از آن دسته می دانم . من عالم طبیعی دان یا دانشمند فلکی و ریاضی

نیستم من رسالتی برای خود دارم و ندایی بمن می رسد ... من خود و هموطنان خویش را دعوت بسعادت میکنم ... »

لطیفه ای از حاضر جوابی های ادبی را ملاحظه فرمائید :

« در زمان شاهرخ میرزا امیرزاده ملك محمد بسیار زیبا بود در کبر سن تغییر فاحش در صورت وی پدید آمده بود . نوبتی قاضی خرجرد به ملاقات حاجی رفته بود و امیرزاده مذکور به آن هیئت که گفته شد در آن مجلس نشسته قاضی از جامی پرسید این عزیز چه کس است ؟ جامی گفت این کسی است که وقتی از بی التفاتی ایشان به تنگ بودم و این زمان از التفاتش »

مقاله درازی در شماره های مختلف بعنوان « دیدار از کتابخانه های پاکستان » بخامه همکار جدید ما آقای محمد حسین تسبیحی دارد چاپ می شود و سیزده قسط از آن تا شماره دهم وحید تا بحال انتشار یافته است و فعلا معلوم نیست تسلسل آن تا کی ادامه خواهد داشت . مطالعه آن روشنگر مساعی دامنه دار مشارالیه می باشد . ایشان بصفحات مختلف کشور ما مسافرت و در جستجوی نوادر کتب و نسخ خطی و چاپی توفیق پیدا کرده اند . وجود ایشان می تواند معرفشایسته ای از علاقمندی دولت شاهنشاهی ایران نسبت بکارهای علمی و پژوهشی باشد . حکومت پاکستان در این قسمت از تحقیقات علمی چه خدماتی انجام داده است ؟ نگارنده این حروف اطلاعی در این باب ندارد .

مجله وحید علاوه بر آنکه از خوبی های ظاهری و معنوی برخوردار است با عکسهای اشخاص و محل های گوناگون نیز مزین می باشد . خلاصه از هر حیث شایان تعریف و تمجید است . با دیدن این مجله ، ما بفرکر این می افتیم در کشور خودمان تا کتیک فیلمی بر تحقیقات علمی برتری دارد . اغلب روزنامه ها و مجلات غرق در این منجلاب اند . علاقه به ادب در سطح بالا و پایه بلند و روبه تقلیل می رود ولی می توان این نقص را با اشتراك مساعی دولت و ارباب علم و دانش مرتفع نمود .

فراوش کردم ذکرری از منظومه ها بمیان بیاورم . این بخش نیز خالی از لطف و زیبایی نیست . در کلام ادیب طوسی سبک قدیم و رنگ جدید شعر بهم آمیخته شده در آن با حفظ سنت های قدیم فنی شعر ، اسلوب جدید نیز بازیابی خاصی بچشم می خورد . ایشان در دو منظومه خود بعنوان « نقش پندار » : « ویرانه های جنگ » در موضوعات مربوط حق مطلب را ادا نموده اند . منظومه های احمد گلچین معانی و ابراهیم ناعم نمونه های خوب سخنوریست و همچنین سایر منظومات نیز حکایت از مهارت و پختگی گویندگان خویش را می کند .

در پایان اشارہ ای

به اشتباهات چاپی ہم می

کنیم ( ۱ ) . در صفحه

۱۰۱۳ در مصرع : باہملم

گو مدہ تعلیم بیداد آن

پری رورا بہ ازاید است

در صفحه ۱۰۴۹ این مصرع

: « زان ملک عزت کردہ

به کام ریزی » در چہ وزنی

است ؟ در صفحه ۹۵۳ و

در مصرع :

گہی سخن شکر

وقندو مرحم است و طلی

املای مرحم غلط نوشته

شده است . در صفحه ۹۵۱

در مصرع :

ایمادچو ابروان

یاری گوئی املای ای ماہ

نادرست نوشته شدہ است .

در صفحه ۹۹۷ مصرع : روبہر جا کہ کنم ہمہ جا ، باید اینطور باشد :

رو بہر جا کہ می کنم ہمہ جا .

# نقد و تبصرہ

تیسرے نمبر کے لیے ہر کتاب کی دو کاپیاں آنکھنروئی ہونا

”تیسرا“ ماہنامہ ناس۔ درصورت اشد و غیر صحت قریباً ۱۰۰ تقطیع فیہا لاسم کے لیے لاکھ لاکھ

”ویر کے تین شمارے (۱-۹) مہینے لکھیں نہایت بدکاروں سے تیار ہوئے ہیں۔ ان کے بارے میں

”تیسرے نمبر“ کے بارے میں ”تیسرا“ کے بارے میں ”تیسرا“ کے بارے میں ”تیسرا“ کے بارے میں

”تیسرے نمبر“ کے بارے میں ”تیسرا“ کے بارے میں ”تیسرا“ کے بارے میں ”تیسرا“ کے بارے میں

”تیسرے نمبر“ کے بارے میں ”تیسرا“ کے بارے میں ”تیسرا“ کے بارے میں ”تیسرا“ کے بارے میں

”تیسرے نمبر“ کے بارے میں ”تیسرا“ کے بارے میں ”تیسرا“ کے بارے میں ”تیسرا“ کے بارے میں

”تیسرے نمبر“ کے بارے میں ”تیسرا“ کے بارے میں ”تیسرا“ کے بارے میں ”تیسرا“ کے بارے میں

”تیسرے نمبر“ کے بارے میں ”تیسرا“ کے بارے میں ”تیسرا“ کے بارے میں ”تیسرا“ کے بارے میں

”تیسرے نمبر“ کے بارے میں ”تیسرا“ کے بارے میں ”تیسرا“ کے بارے میں ”تیسرا“ کے بارے میں

۱ - غلطیای چاپی در نشریات ایران فراوانست و در مطبوعات پاکستان بسیار کم . زیرا در آن دیار کتاب و روزنامہ و مجلہ را خطاطان ماہر با خط خوش می نویسند و با این عمل ہم هنر خوش نویسی را زندہ نگاه میدارند و ہم نوشته ہا را کم غلط بہ چاپ می رسانند . لیکن در کشور ما ، ناسفانہ هنر خوش نویسی راہ زوال را می بینیم و کار بدست ماشین های چاپ سپردہ شدہ است و طبیعی است کہ کار ماشینی ، ہم زیبایی لازم را ندارد و ہم پر غلط چاپ میشود . ( و )